

نقش ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت در پیش‌بینی طلاق

سیدمحمد حسینی بهشتیان*

فاطمه عبدی**

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به اهمیتی که ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت می‌تواند در پیش‌بینی طلاق داشته باشد؛ هدف از انجام این پژوهش نقش سبک‌های دلبستگی، صمیمیت و ویژگی‌های شخصیتی زوجین در پیش‌بینی میزان طلاق کلیه زوج‌های متقاضی طلاق شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بوده است. روش بررسی: جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زوج‌های متقاضی طلاق شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ می‌باشد. نمونه مورد نظر شامل ۳۲۲ نفر بود که به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسشنامه شخصیت (NEO) فرم بلند، پرسشنامه سبک‌های صمیمیت باگروزی و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بود.

یافته‌ها: تحلیل آماری نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت ۴۱/۶ درصد از تغییرات طلاق را در سطح ۰/۰۱ پیش‌بینی می‌کنند. نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و سبک‌های صمیمیت به صورت مثبت طلاق را پیش‌بینی می‌کند. همچنین با افزایش نمره

* استادیار روان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی (نویسنده مسئول)، beheshtiyani.ir@gmail.com

** دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشگاه آزاد کرج، fatemehadbi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۳

فرد در ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و سبک‌های صمیمیت طلاق کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: طلاق، ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی، سبک‌های صمیمیت

۱. مقدمه

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسایل و نیازهای جدید و متنوعی روبرو کرده است. طی این مدت، خانواده به شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده‌ای در معرض تهدید قرار گرفته است. وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بینند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی، طلاق نامیده می‌شود. پایه‌های اساسی خانواده را سنت دیرینه‌ی ازدواج تشکیل می‌دهد (رفاهی و همکاران، ۱۳۸۷). نهاد خانواده در دنیای کنونی، به طور گسترده‌ای طلاق را تجربه می‌کند؛ البته این بدان معنا نیست که خانواده در گذشته با این پدیده مواجه نبوده است، ولیکن طلاق نیز مانند تمام پدیده‌های دیگر، تغییر ماهیت یافته است. امروزه طلاق، اغلب گزینش اختیاری افراد است و به نظر می‌رسد نسبت به گذشته، پدیده‌ای عادی و عملی بهنجار انگاشته می‌شود و به گونه‌ای روزافزون، اقدامی برای رهایی از تنش خانوادگی تلقی می‌گردد. در اکثر جوامع، روشی پذیرفته و نهادینه شده برای پایان ازدواج است و ازدواج، دیگر به مفهوم طی کردن تمام زندگی با یک شخص نیست، بلکه یک فرآیند چند مرحله‌ای است که نه تنها بر نحوه ارتباط افراد خانواده تأثیر می‌گذارد؛ بلکه لطمات شدیدی نیز بر جامعه وارد می‌سازد.

پژوهشهای متعدد، نشان دهنده آثار و عوارض منفی جسمی، روانی، اخلاقی، و اجتماعی طلاق برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع می‌باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اختلالات روانی در بین افراد مجرد، بیوه، جدا شده و طلاق گرفته، بیش از افراد متأهل بوده و خطر طلاق برای ایجاد افسردگی بیشتر از بیوه شدن است (ظهیرالدین و خدایی فر، ۱۳۸۲). از پیامدهای طلاق بر زنان مطلقه، میتوان به کیفیت زندگی پایین (Fukuda & et al، ۲۰۰۵)، فشار مسایل مالی (Bowman، ۲۰۰۷)، نگرش اخلاقی منفی نسبت به زنان

مطلقه از سوی جامعه (Amato, ۲۰۰۸)، انزوای اجتماعی و کوچکتر شدن شبکه روابط اجتماعی آنها و آسیب دیدن روابط اجتماعی آنان به دلیل احساس عدم امنیت اجتماعی (رستمی و همکاران، ۱۳۸۸)، گرایش به سمت مواد مخدر (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶)، افسردگی بیشتر زنان مطلقه در مقایسه با مردان (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹) و شیوع اختلال‌های جسمی و روحی، از جمله اعتیاد به مشروبات الکلی، خودکشی و ضعف قوای ذهنی و رضایت کمتر از زندگی (Thompson & et al, ۲۰۰۸) را نام برد.

افزایش نرخ طلاق در جهان و ایران، باعث ایجاد نگرانی‌های مختلفی شده است، چرا که طلاق، دارای آثار و پیامدهای متفاوتی از جمله فرهنگی، اجتماعی، روانی و اقتصادی است و زندگی خانواده از جمله فرزندان را در آینده متاثر می‌نماید. به خاطر هزینه‌ها و آثار و پیامدهای زیاد طلاق، بررسی و پیدا کردن علل و عوامل آن و تلاش جهت کنترلش، ضرورتی انکارناپذیر است.

۲. بیان مسئله

پایه‌های اساسی خانواده را سنت دیرینه‌ی ازدواج تشکیل می‌دهد (رفاهی، ۱۳۸۷). ازدواج یکی از مهمترین تجاربی است که زندگی شخص را متأثر می‌سازد (Hanler & Jenkoz, ۲۰۰۵) و به عنوان یکی از مهمترین ارتباطاتی که خود انسان آن را ایجاد می‌کند، بر اساس تعامل بین دو جنس برای رسیدن به شادی و ارضای نیازهای جسمی، روانی و عاطفی شکل می‌گیرد. با این حال بعضی از این روابط گاهی اوقات نمی‌توانند به همه نیازهای فرد پاسخ دهند و ازدواجی که با شور، عشق و علاقه شروع شده به خشم، نفرت، تنهایی و در نهایت طلاق می‌انجامد (نصوحیان، ۱۳۹۱). افزایش روز افزون طلاق در دنیای کنونی، هر چند که در مقیاسی کمتر، متأسفانه جامعه فعلی ما را نیز در بر گرفته است. در دهه اخیر طلاق در کشور ما رشد زیادی داشته است و در حال حاضر از هر ۵ ازدواج در کشور یک مورد به طلاق می‌انجامد (به نقل از شفیعیان، ۱۳۹۰). البته این آمار در کلان‌شهرها بسیار بالاتر است؛ مثلاً در تهران به ازای هر ۳ ازدواج یک طلاق (و در برخی از آمارها از هر ۲ ازدواج یک طلاق) رخ می‌دهد؛ یعنی حدود ۳۰ درصد ازدواج‌ها در شهر تهران به طلاق منجر می‌شود (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۳). نارضایتی زن و شوهر از یکدیگر و نیز از هم‌گسیختگی کانونهای گرم بسیاری از خانواده‌ها

و تاثیرهای سوء این جدایی بر افراد خانواده نیاز به رسیدگی و رفع این مشکل را مطرح ساخته است.

عوامل زیادی وجود دارند که بر تصمیم‌های مربوط به طلاق تاثیر می‌گذارند، زوجها هم نیازهای شخصی و هم تاثیرهای اجتماعی، فرهنگی را با خود به درون ازدواج می‌آورند. با وجود این ممکن است که مشکلات رابطه‌ای زمینه ساز اصلی همه مسائل باشند (Bernstein & Bernstein، ۱۳۸۸). در عصر حاضر، به رغم افزایش آگاهی از نقش خانواده در جامعه و زندگی افراد، خانواده‌ها بیش تر از قبل دچار بحران و از هم گسیختگی اند. پژوهش‌ها تلاطم‌های خانوادگی و نارضایتی از روابط زناشویی را آشکار می‌کند. آمارها نیز حاکی از افزایش طلاق و فروپاشی خانواده‌هاست. به عبارت دیگر، به رغم آگاهی زوجین از اهمیت عشق و علاقه، تفاهم و همکاری در روابط بین همسران و تأکید بر احترام متقابل، خانواده‌هایی مملو از تشنج فراوان دیده می‌شوند.

بررسی دلایل وقوع طلاق یکی از راه‌های پیشگیری از این معضل است. شناخت عواملی که زمینه را برای بروز اختلافات زناشویی و جدایی فراهم می‌کند، کلید اصلی برای کاهش مشکلات زناشویی و آمار طلاق در جامعه است. از طرفی آگاهی از متغیرهای موثر بر طلاق می‌تواند باعث ارتقای کیفیت زندگی زناشویی، کاهش تعارضات زناشویی و استحکام زندگی مشترک بین زوجین شود و مسلماً چنانچه ریشه‌ها و علل یک پدیده مورد شناسایی قرار گیرند، خود می‌تواند راه مقابله با آن و یا جلوگیری از وقوع آن باشد.

ازدواج به عنوان یکی از رویدادهای مهم مرحله انتقال به بزرگسالی مقوله‌ای بسیار پیچیده است. هنگامی که کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می‌دهند. این روند در ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت، واقعه حقوقی طلاق می‌شود (عابدی، بولهاری، نقی زاده، ۲۰۱۵).

تحقیقات نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی که افراد در کودکی انتخاب می‌کنند، می‌تواند یکی از فاکتورهای مؤثر بر روی روابط آتی در بزرگسالی (روابط با همسالان، با اعضای خانواده، معشوقه یا همسر) باشد (Hatch، ۲۰۰۸، Halat & Hovardaoglu، ۲۰۱۱). دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد می‌باشد، به طوری که یکی از دو طرف کوشش می‌کند نزدیکی و مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا

مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد (خانجانی، به نقل از عزیزی، ۱۳۹۲). سبک‌های دلبستگی از منابع درون فردی هستند که می‌توانند سطوح تنش و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل کنند و اثرات منفی تنش را کم رنگ‌تر جلوه دهند (Linley & Joseph, ۲۰۰۴). پژوهشگران بر این باورند که مشکلات زناشویی در سبک‌های دلبستگی زوج‌ها ریشه دارند چراکه دلبستگی، پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری است که نقش قدرتمندی در زندگی عاطفی بزرگسالان دارد (Papalia, ۲۰۰۲؛ به نقل از فخری، مهدویان فرد و کیمیایی، ۱۳۹۷). دلبستگی چارچوبی را فراهم می‌کند که به فهم دقیق و بهتر روابط زناشویی و شیوه‌های مقابله با تعارض زوجین کمک می‌کند (Crowley, ۲۰۰۶؛ Kimberly & Baker, ۲۰۰۸). دلبستگی مفهوم مهمی در مطالعات و درک شیوه‌های ارتباطی زوج‌هاست (Kobak & Hazan, ۲۰۰۹؛ Els & Buysse, Paulette, ۲۰۰۵). سبک‌های دلبستگی در مواقع پراسترس فعال می‌شوند؛ به عبارت دیگر اینکه چگونه افراد به صورت احساسی یا رفتاری به موقعیت یا مسئله واکنش نشان دهند، به سبک دلبستگی آنها برمی‌گردد. در این صورت داشتن سبک دلبستگی نایمن این افراد را به این سمت می‌کشاند که رابطه عاشقانه خود را به صورت منفی تجربه کنند و در نتیجه آنها در حین مشکلات به سمت رفتارهای مخرب کشیده می‌شوند (Ajsi & Jaknuz, ۲۰۱۱)، علاوه بر تأکیدهای نظریه دلبستگی، داده‌های پژوهشی تمایز آشکاری را بین زوج‌های ایمن و نایمن نشان داده‌اند و چنین بیان می‌کنند که در زمینه سازگاری زناشویی، زوجین نایمن، ضعیف‌ترین و پایین‌ترین سازگاری و زوج‌های ایمن بالاترین سازگاری را نشان می‌دهند (فخری و همکاران، ۱۳۹۷).

صمیمیت یکی از نیازهای زندگی زن و شوهری است و در عین حال از ویژگی‌های بارز یک زوج موفق و شادمان است (Bagarozzi, ۲۰۰۱). صمیمیت یک فرایند تعاملی است، محور این فرایند شناخت، درک، پذیرش، همدلی با احساسات فرد دیگر، قدردانی یا پذیرش دیدگاه منحصر به فرد دیگر از دنیاست. صمیمیت تنها یک تمایل یا آرزو نیست، بلکه یک نیاز اساسی و واقعی انسان است (زاهدبابلان و مرادی، ۱۳۹۳).

روابط توأم با صمیمیت منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی در زندگی است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰). صمیمیت؛ احساس نزدیکی، تشابه و رابطه‌ی شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است و مستلزم شناخت و درک عمیق فرد دیگر به منظور بیان افکار و احساساتی است که به عنوان منشأ تشابه و نزدیکی به کار می‌رود (Bagarozzi, ۲۰۰۱). صمیمیت در ازدواج بسیار بارز است؛ زیرا رابطه محکم زوجین

در زندگی، به طور مثبتی سازگاری و رضایت زناشویی را به همراه دارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰). فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی، زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (Patrick, Sells, Giordano & Tollerud, ۲۰۰۷).

بسیاری از روانشناسان و خانواده درمانگران، ویژگی‌های شخصیتی زوجین را مهمترین عامل در موفقیت و عدم موفقیت هر ازدواجی می‌دانند (امیدوار، ۱۳۹۴). شخصیت نشان‌دهنده ویژگی‌های فردی است که الگوی رفتاری ثابت افراد را به نمایش می‌گذارد. شخصیت را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های نسبتاً پایدار و منحصر به فرد که می‌تواند در موقعیت‌های مختلف تغییر نماید تعریف نمود (بلوردی، دماندیان و طالبی، ۱۳۹۴). یک رویکرد معتبر برای اندازه‌گیری صفات شخصیتی، مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی است. برونگرایی، توافق جویی، وظیفه‌شناسی، روان رنجورخویی و گشودگی ابعاد اصلی مدل پنج‌گانه شخصیت می‌باشند (Trull & Widiger, ۲۰۱۳). در این طبقه‌بندی، افرادی که دارای ویژگی‌های عواطف مثبت یا برونگرایی هستند، افرادی سرزنده، پر جنب و جوش و اجتماعی می‌باشند. افراد بسیار عصبی (روان رنجور) یا افرادی که دارای احساسات منفی بالایی هستند، در روابط خود مضطرب و متزلزل می‌باشند. افراد با ویژگی‌های وظیفه‌شناسی بالا، افرادی مسوولیت‌پذیر، متمرکز و سازمان‌یافته هستند. افراد سازگار (توافق‌جو)، افرادی متفکر، مهربان و حامی هستند. گشودگی نسبت به تجربیات (خرد)، ویژگی‌های افراد مبتکر و خلاق می‌باشد (Sodermans, Corijn, Vanassche, Matthijs, & ۲۰۱۶).

پدیده طلاق یکی از مسائل عمده جوامع امروزی است که تمامی زندگی فعلی و آینده فرد را در بر می‌گیرد. این خود هشداری است برای جامعه ما که روز به روز به تعداد افرادی که به دادگاه خانواده و مراکز خدمات روانشناسی و مشاوره‌ای مراجعه می‌کنند، افزوده می‌شود. ولی متأسفانه تمهیدات جدی و پژوهش‌های کارساز که بتواند راه‌های مؤثر به کاهش ناسازگاری که منجر به طلاق می‌شود، انجام نگرفته است. شکست در ازدواج هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و هیجانی زیادی را به بار می‌آورد، بر این اساس

شناخت و بررسی عواملی که منجر به استحکام بنیان خانواده و کاهش میزان طلاق در این نهاد اجتماعی می‌گردد، می‌تواند اثری سودمند در ارتقای شاکله کلی این جامعه ایفا کند. در واقع چنانچه ریشه‌ها و علل یک پدیده شناسایی شوند، راه مقابله با آن و جلوگیری از وقوع آن هموارتر می‌شود. بنابراین برای گسترش ازدواج سالم در جامعه و کمک به حفظ و دوام زندگی زناشویی لازم است ریشه‌های پدیده طلاق شناسایی و برطرف شوند. با توجه به اینکه تا به حال در ایران پژوهشی به پیش‌بینی تاثیر ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت در پیش‌بینی طلاق پرداخته نشده است بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک‌های دلبستگی، صمیمیت و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی طلاق لازم و ضروری است و با عنوان به پژوهش در این زمینه پرداخت گردید.

۳. هدف پژوهش

- نقش سبک‌های دلبستگی، صمیمیت و ویژگی‌های شخصیتی زوجین در پیش‌بینی میزان طلاق

۴. چهارچوب نظری

طلاق از جمله پدیده‌های اجتماعی است که از دیدگاه نظری واحدی قابل بررسی و تبیین نیست. در زمینه طلاق نظریه‌های زیادی ارائه شده است که در ادامه به بررسی چند مورد از آن‌ها می‌پردازیم.

۱.۴ نظریه همسان همسری

همسانی میان دو فرد نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی‌ها میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به عقیده هیل (Hill)، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانان باشد تا ناهمسانان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. در مجموع می‌توان گفت که تقریباً تمامی نظام‌های همسرگزینی، متمایل به ازدواج همسان هستند که این خود می‌تواند نتیجه تمایل به معامله‌گری و مبادله ارزشهای معنوی و دارایی‌های مادی باشد. نظریه همسان

همسری، استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگیهای همسان میان زن و شوهر می‌داند (فاتحی دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰).

۲.۴ نظریه طرحواره

برخی از محققان در بررسی علل طلاق به نقش طرحواره‌ها به عنوان عامل فردی و روانشناختی اشاره کرده‌اند (Cooper، ۲۰۰۱). طرحواره‌ها موجب سوگیری تفسیر از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان فردی (زوجین) به صورت سوء تفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، گمانه‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیر واقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند (Jean & Pascal, Christine، ۲۰۰۸). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوها با درونمایه‌های عمیق و فراگیری هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته و در بزرگسالی تداوم یافته‌اند، به رابطه فرد با خود و دیگران مربوط شده و به شدت ناکارآمد هستند (Young، ۲۰۰۷). یانگ مجموعه‌ای از طرحواره‌ها را بیان کرده که به آن‌ها طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌گوید (Jill & Michiel، Vreeswijk، ۲۰۰۸). این طرحواره‌ها عبارت‌اند از: رهاشدگی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نارسایی/ بی‌مهری، گوشه‌گیری اجتماعی/ بیگانگی، وابستگی/ بی‌کفایتی عملی، گرفتاری، شکست در پیشرفت، استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویشتن‌داری و خود انطباقی ناکافی، اطاعت و احساس اجبار نسبت به واگذاری افراطی کنترل خود به دیگران، تایید جویی و جلب توجه، نگرانی و بدبینی، بازداری هیجانی و رفتاری و معیارهای سرسختانه. این باورها و طرحواره‌های مربوط به روابط میان فردی در بزرگسالی در همسرگزینی و روابط زناشویی نمود پیدا کرده و تاثیر می‌گذارد (خسروی، ۱۳۸۶).

۳.۴ نظریه توزیع قدرت

گاه بین زن و شوهر تضادی ایجاد می‌شود و هر یک برای احراز منزلت خود و رسیدن به اهداف خویش، از طریق توسل به امکانات مالی، فرهنگی و ... قصد تسلط بر دیگری را دارد. تداوم این وضعیت، تنش و کشمکش بین زوجین را افزایش داده و در نهایت منجر به جدایی و طلاق آن‌ها می‌شود (کاملی، ۱۳۸۶).

۴.۴ نظریه شبکه ای

این نظریه، هر نظریه غیرساختاری را که فرایندهای اجتماعی را ناشی از جمعی از کنشگران فردی، گرایش‌های شخصی و هنجارهای درونی شده می‌داند، رد می‌کند. یکی از چهره‌های مشهور نظریه شبکه، الیزابت بات (Elizabet Bot)، نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای که زوجین، بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند، همبسته می‌داند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیک تر و هرچه این شبکه‌ها مترکم تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک شده تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز صادق است، هرچه شبکه‌ها پراکنده تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه نشانگر جدایی و تفکیک هستند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند. اگر زن و شوهر، هر دو به شبکه‌ای مترکم تعلق داشته باشند و این شبکه‌ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به همین روابط موجود تحمیل می‌گردد، به نحوی که زوجین فقط به سوی فعالیت‌هایی که شبکه، مجاز می‌داند کشانده می‌شوند. در این حالت، تفکیک خشک و انعطاف ناپذیر نقش‌ها امکان‌پذیر می‌گردد، زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه خانواده خواهند شد. بنابراین، نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هرچه روابط بین شبکه کمتر و سست تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند. پس اگر شبکه قوی باشد، زوجین خود نمی‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند، چرا که باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله، می‌تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال شود. امکان دخالت افراد در زندگی زناشویی، گویای نفوذ افراد مسن تر همخون و تسلط شبکه روابط نسبی است (فاتحی دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰).

۵.۴ نظریه ویسمن (Wiseman)

ریوا ویسمن روی ابعاد روانشناختی و عاطفی درونی طلاق تمرکز دارد. ویسمن ۵ مرحله را برای طلاق پیشنهاد کرد:

۱. **انکار:** این مرحله، مرحله قبل از پذیرش آگاهانه‌ی مشکلات ازدواج است و هنگامی روی می‌دهد که موضوعات تعارض برانگیز نادیده گرفته شده یا به عوامل بیرونی نسبت داده می‌شود. برخی ازدواج‌ها چندین سال در مرحله انکار باقی می‌مانند.
۲. **فقدان و افسردگی:** متعاقب زمانی است که یک بحران روی می‌دهد و همسران مجبورند بپذیرند که ازدواجشان مشکلات جدی دارد. واکنشهای اضطراب و گناه به وسیله‌ی فقدان‌ها یا تنهایی قریب الوقوع برانگیخته می‌شود.
۳. **خشم و تردید:** در مرحله‌ی بعدی تجربه می‌شوند، آنگاه تعاملات میان همسران بعضی مواقع انتقام‌جویانه، تنبیه‌گرایانه، یا حتی خشونت‌آمیز می‌شود. در عین حال، ممکن است همسران در مورد آینده احساس ترس داشته باشند و میان حفظ ازدواج و قرار گرفتن در یک وضعیت نامعلوم مردد هستند.
۴. **جهت‌گیری مجدد برای سبک زندگی و هویت:** به دنبال جدایی و بازشناسی حالت یک شخص مجرد داشتن، شروع می‌شود. این، زمان رویارویی با واقعیت طلاق است و معرفی خود به عنوان کسی است که از ازدواج خارج شده، تصمیم می‌گیرد که چگونه زندگی کند و در مورد روابطی که در آینده انتخاب خواهد نمود، فکر می‌کند.
۵. **پذیرش و یکپارچگی:** حل‌نهایی طلاق را منعکس می‌کند، زمانی است که شخص مطلقه خودش را بدون نیاز به استدلال یا دفاع کردن، می‌پذیرد و پذیرش خود، گذشته و دیگران جایگزین خشم می‌شوند. در طول هر مرحله مقدماتی، شخص می‌خواهد یک رابطه عاطفی تازه را ابداع کند (ویسمن، ۱۹۷۵؛ به نقل از عماری، ۱۳۹۴).

۶.۴ نظریه دلبستگی

اینزورث (Ainsworth) و بالبی (Bowlby) اعتقاد داشتند که سبک‌های دلبستگی متفاوت، مدل‌های روانی متفاوتی را پرورش می‌دهد که در طول عمر ثابت است و روی روابط بعدی تأثیر می‌گذارد. یک دلبستگی ایمن زمینه‌ی مهمی را برای روابط عاطفی ایمن در آینده فراهم می‌سازد. دلبستگی در بزرگسالان به یک پیوند قوی عاطفی میان دو نفر مربوط است که آنها را بر می‌انگیزد، تا به رفتاری که رابطه‌شان را حفظ می‌کند، متعهد باشند (عماری، ۱۳۹۴) بزرگسالان ایمن، از شریک رمانتیک خود به عنوان پایگاهی برای راحتی و امنیت استفاده می‌کنند. آنها علائق، حمایت و عاطفه خود را ارزشمندتر از سایر علائق می‌دانند و شریک‌شان را با عنوان معتبر، در دسترس و خوش‌نیت توصیف می‌کنند.

کنند. بزرگسالان دارای دلبستگی ناایمن که به آنها بزرگسالان اجتنابی می‌گویند، به راحتی به دیگران اعتماد نمی‌کنند و یا وابسته نمی‌شوند و تمایل دارند که در روابط شان شکاک باشند، فاصله‌ی عاطفی را حفظ کنند و از صمیمیت اجتناب نمایند (امیدوار، ۱۳۹۴).

۵. فرضیه پژوهش

- سبک‌های دلبستگی، صمیمیت و ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌توانند میزان طلاق در زوجین را پیش‌بینی کنند.

۶. مروری بر پژوهش‌های پیشین

امانی، مجذوبی و هادیان (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان دادند که زنان مطلقه و زنان عادی در صفات شخصیتی روان‌نژندی و باز بودن به تجربه بسیار متفاوت هستند. بنابراین، موفقیت یا شکست ازدواج می‌تواند بر اساس این دو ویژگی پیش‌بینی شود.

عزیزی و بیرانوند (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی رابطه معناداری دارند و حدود ۴۰ درصد از تغییرات واریانس مربوط به رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند.

همچنین بیرامی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای نشان دادند که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی در میان کارکنان دانشگاه رابطه وجود دارد و سبک دلبستگی دوسوگرا بهترین پیش‌بین رضایت زناشویی به شمار می‌رود.

نتایج مطالعات حمیدی و همکاران (۱۳۹۵) بیانگر این نکته است که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از مشکلات زناشویی و بین فردی کمتر و سطح شادکامی بیشتری نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند.

فاکرخاسانی، داوودآبادی، ذاکری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی مقایسه ویژگی‌های شخصیتی در زنان متقاضی طلاق و عادی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی موافق بودن و روان‌آزردگی (نوروزگرایی) در زنان متقاضی طلاق بیشتر و برونگرایی در آن‌ها کمتر بود، همچنین در افراد متقاضی طلاق بیشتر از گروه عادی مشاهده شد.

زاهدبابلان و مرادی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود نشان دادند که میانگین نمرات صمیمیت دو گروه زوجین عادی و در حال طلاق تفاوت معناداری داشته است. رضایی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که صمیمیت از عوامل موثر در ثبات و عدم ثبات یک ازدواج می‌باشد.

شکرکن و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بینی‌های موفقیت و شکست زندگی زناشویی دریافتند، تفاوت زوجین متقاضی طلاق در هر پنج ویژگی روان‌آزرده‌خویی، برونگرایی، تجربه‌پذیری، موافق بودن و با وجدان بودن به طور معناداری بیش از زوجهای عادی است. همچنین دونلان، کانگر و برایانت (Donnellan, 2004, Bryant & Conger) با اشاره به تحقیقات متعدد انجام شده، بر این نکته تأکید دارند که رضایت زناشویی بیش از همه، از ویژگیهای شخصیتی زوجین متأثر است. بسیاری از تحقیقات مقطعی و طولی همواره نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی با موفقیت رابطه زناشویی، ارتباط دارند (Dyrenforth & et al, 2010؛ Malouff & el al, 2010؛ Decuyper & et al, 2012).

مینوت (Minnott & et al, 2010) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که صمیمیت یکی از مولفه‌های مهم رضایت زناشویی است و بر روی سایر نقش‌های زوجین مانند نقش والدینی و نقش کار تأثیرگذار است.

همچنین پژوهش‌ها بیانگر این واقعیت می‌باشند که برخورداری از صمیمیت در بین زوجهای متأهل، از عوامل مهم ایجاد ازدواج پایدار است (Crawford & Unger, 2008) و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی خواهد شد (Bloom, 2006). رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد (Patric, Sells & Giordano Tollerud, 2007).

۷. روش‌شناسی پژوهش

۱.۷ روش پژوهش

پژوهش حاضر کمی، توصیفی، همبستگی از نوع پیش‌بین است.

۲.۷ جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ می‌باشد. برای انتخاب آنها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. به این صورت که ابتدا از بین دادگاه‌های خانواده شهر تهران ۴ مجتمع (مجتمع قضایی خانواده ۱، مجتمع قضایی خانواده ۲، مجتمع قضایی ونک، مجتمع قضایی شهید صدر) و از بین زوج‌های متقاضی طلاق در هر یک از این مجتمع‌ها، ۱۰۰ نفر به تصادف انتخاب گردید (با توجه به احتمال ریزش نمونه و عدم تمایل به همکاری تعدادی از افراد، نمونه بیشتری انتخاب شد). دعوت نامه شرکت در تحقیق به ۴۰۰ نفر انتخاب شده داده شد، از بین این افراد ۳۲۰ نفر که تمایل به تکمیل پرسش‌نامه داشتند، به عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب گردیدند.

۳.۷ ابزار پژوهش

۱.۳.۷ پرسشنامه ۵ عاملی شخصیت (NEO) فرم بلند

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت NEO از کاستا و مک کری (McCrae & Costa ۱۹۹۲-۱۹۸۹)، به پرسشنامه شخصیت تجدید نظر شده NEO (NEO-PI-R) و پرسشنامه پنج عاملی NEO FFI (NEO) توسعه پیدا کرده است (Rosellini & Brown، ۲۰۱۰).

نسخه تجدید نظر شده‌ی پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو NEO-PI-R نوعی پرسشنامه‌ی خودسنجی و ویژگی‌های شخصیتی است مبتنی بر یک الگوی معروف شخصیتی به نام مدل پنج عاملی است (فتیحی آشتیانی، ۱۳۹۰). که هدف آن ارزیابی پنج بعد از FFM:

الف) روان رنجورخویی (N): تمایل برای تجربه کردن عواطف منفی و پریشانی و غم روانی در پاسخگویی به عوامل استرس‌زا

ب) برونگرایی (E): درجه اجتماعی بودن، تهییج‌پذیری مثبت و فعالیت‌های کلی

ج) گشودگی برای تجربه (O): سطوح حس کنجکاوی، قضاوت و محافظه‌کاری

د) توافق‌پذیری (A): نوع دوستی و همدلی و تمایلات و گرایش‌های همکاری

و) وجدان (C): سطح اول خودکنترلی در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی. فرض شده

است که این پنج بعد به طور متعامد نسبتاً با هم ارتباط دارند (روزالین و براون، ۲۰۱۰).

این نسخه حاوی ۲۴۰ ماده (۸ ماده برای هریک از ۲۰ جنبه یا ۴۸ ماده برای هریک از پنج حیطه) است. پاسخگویان هر یک از ۲۴۰ جمله را بر مبنای یک مقیاس طیف لیکرت پنج قسمتی (کاملاً مخالفم=۵، مخالفم=۴، نظری ندارم=۳، موافقم=۲، کاملاً موافقم=۱) درجه بندی می کنند(فتحی آشتیانی، ۱۳۹۰).

این پرسشنامه توسط مک کری و کاستا در اصل برای جمعیت بهنجار تهیه شد و در طی دهه گذشته بیشترین استفاده در کاربست های پژوهشی و بالینی راداشته است. ضریب آلفای گزارش شده توسط آنان ۰/۷۴ تا ۰/۹۸ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. در حالی که در تحقیق بنچارد و همکاران(۱۹۹۹) این ضرایب در روان آزرده گرایسی ۰/۸۵، برونگرایی ۰/۷۲، در گشودگی ۰/۶۸، برای موافق بودن ۰/۶۹ و برای با وجدان بودن ۰/۷۹ بوده است (Eggert , lewendosky & Klump, ۲۰۰۷).

مک کری و کاستا(۱۹۸۹) اظهار می دارند که ابزار کوتاه شده (NEO- FFI) با فرم کامل آن تطابق دقیقی دارد به طوری که مقیاس های فرم کوتاه، همبستگی بالای ۰/۶۸ را با مقیاس های نسخه فرم کامل پرسشنامه نئو دارند. در ایران نیز حق شناس (۱۳۸۷) بر روی نمونه ۵۰۲ نفری جمعیت شیراز به نتایج زیر رسید: ضرایب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳ و وجدان گرایی (مسئولیت پذیری)، ۰/۷۱ توافق پذیری، ۰/۵۷ گشودگی (تجربه گرایی)، ۰/۷۱ برون گرایی، ۰/۸۱ روان رنجوری و اعتبار آزمون مجدد در فاصله ۶ ماه برابر ۰/۵۳ روان رنجوری، ۰/۶۶ توافقی بودن، ۰/۷۶ گشودگی (تجربه گرایی) ۰/۷۴ برونگرایی به دست آمد(روشن چسلی، شعیری، عطری فرد، نیکخواه، قائم مقامی و رحیمی راد، ۱۳۸۵).

۲.۳.۷ پرسشنامه سبک های دلبستگی

این پرسشنامه شامل خود - ارزیابی از مهارت های ایجاد روابط و خود - توصیفی شیوه شکل دهی به دلبستگی های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده است که توسط علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای از نوع لیکرت برای هر ماده (که از ۱= اصلاً ویژگی من نیست تا ۵= کاملاً ویژگی من است) سنجیده می شود. تحلیل عوامل ۳ خرده مقیاس ۶ ماده ای را مشخص می سازد. کولینز و رید بر پایه توصیف هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازن و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده اند.

زیر مقیاس اضطراب (Anxiety) با دلبستگی ناایمن دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (Finney & Noler، ۱۹۹۲) بنابراین نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد (حمیدی، ۱۳۸۲).

سبک دلبستگی ایمن با سوالات ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷ و سبک دلبستگی اجتنابی با سوالات ۲، ۵، ۷، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و سبک دلبستگی دوسوگرا با سوالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، سنجیده می‌شوند. (سوالات ۲، ۷، ۸، ۱۳، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند).

۱.۲.۳.۷. روایی و پایایی پرسشنامه سبک دلبستگی

کولینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد به دست آمده بالا است.

در ایران نیز میزان پایایی با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌ها C, D, A در RAAS معنادار نبوده است و این آزمون در سطح ۹۵٪ قابل اعتماد است، اما با توجه به همبستگی بین نتایج دو اجرا، زیر مقیاس A قابل اعتمادترین ($r=0/75$) است و در درجه بعدی زیر مقیاس C قابل اعتماد است ($r=0/75$) و D کمترین میزان پایایی را در بین این سه زیر مقیاس دارا بوده است ($r=0/47$). از سوی دیگر با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص گردید که زیر مقیاس اضطراب (A) بیشترین پایایی (۰/۷۴) و وابستگی (D) کمترین پایایی (۰/۲۸) را دارد و پایایی زیر مقیاس نزدیک بودن در حد متوسط (۰/۵۲) است که نتایج با بررسی از طریق بازآزمایی هماهنگ بوده است (حمیدی، ۱۳۸۲).

به منظور بررسی پایایی پرسشنامه سبک‌های دلبستگی در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از خرده مقیاسها محاسبه شد. نتایج حاکی از ضریب آلفای

۰/۶۲) برای سبک دلبستگی ایمن، (۰/۵۳) سبک دلبستگی اجتنابی و (۰/۷۳) برای سبک دلبستگی دوسوگرا است.

۳.۳.۷ پرسشنامه سبک های صمیمیت باگاروزی (Marital Intimacy Needs

Questionnaire (۲۰۰۱)

یک ابزار ۴۱ سؤالی است که برای سنجش نه بعد صمیمیت زناشویی؛ هیجانی، عقلانی، جسمانی، اجتماعی - تفریحی، زیباشناختی، جنسی، معنوی، روان شناختی و صمیمیت در گذران وقت استفاده می شود. برای تعیین روایی محتوی و صوری، این پرسشنامه در اختیار ۱۵ نفر از اساتید مشاوره و ۱۵ زن و شوهر قرار گرفت. آنان نظر اصلاحی خود را ارائه نمودند و روایی محتوی آن را تأیید کردند. سپس اصلاح نهایی پرسشنامه بر روی ۳۰ زن و شوهر اجرا شد. ضریب پایایی کل با روش کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد (اعتمادی، نوایی نژاد، احمدی، فرزاد، ۱۳۸۵). در این پرسشنامه برای هر یک از ابعاد صمیمیت به جز بعد معنوی که ۶ سؤال دارد، ۵ سؤال جهت ارزیابی در نظر گرفته شده است و در یک طیف ۱۰ گزینه ای از ۱ (ابتدا این نیاز در من وجود ندارد) تا ۱۰ (کاملاً این نیاز در من قوی است) درجه بندی شده است. برای هشت بعد صمیمیت نمرات عددی محاسبه شده که با جمع نمرات هر بعد، نمره صمیمیت کلی به دست می آید. کمترین نمره ۴۱ و بیشترین نمره ۴۱۰ می باشد که پس از تبدیل به درصد کمتر از ۰/۳۳ صمیمیت کم و ۳۳ تا ۶۶ متوسط و بالای ۰/۶۶ صمیمیت بالا در نظر گرفته شد (متولی، ازگلی، بختیاری، علوی مجد، ۱۳۸۸). در ایران، اعتمادی (۲۰۰۵)، روایی همزمان پرسشنامه سبک های صمیمیت باگاروزی را ۰/۵۸ بدست آورد. در مطالعه ای دیگر خمسه و حسینیان (۱۳۸۶) در تعیین پایایی پرسش نامه با روش بازآزمون، ضریب آلفای کرونباخ را برای صمیمیت عاطفی ۰/۸۹، صمیمیت روان شناختی ۰/۸۲، صمیمیت عقلانی ۰/۸۱، صمیمیت جنسی ۰/۹۱، صمیمیت فیزیکی ۰/۸۰، صمیمیت زیبا شناختی ۰/۷۶، صمیمیت اجتماعی - تفریحی ۰/۵۱، صمیمیت معنوی ۰/۶۵ و برای صمیمیت کل ۰/۸۲ به دست آوردند. افزون بر آن، جهت تعیین روانی آزمون، این پرسش نامه همراه با پرسش نامه صمیمیت زناشویی، هم زمان به وسیله ۳۰ زوج پاسخ داده شد، که ضریب همبستگی بین نتایج دو آزمون صمیمیت، بیانگر همبستگی معنی دار ۰/۶۵ بود (خمسه و حسینیان، ۱۳۸۷).

۴.۷ تجزیه و تحلیل داده ها

داده های جمع آوری شده از اعضای نمونه با استفاده از شاخص های آمار توصیفی همچون میانگین، انحراف معیار، ماتریس همبستگی و رگرسیون چندمتغیری در نرم افزار SPSS-24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات زوج‌های متقاضی طلاق در متغیرهای پیش بینی کننده

متغیرهای پیش بینی کننده	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
روان رنجوری	۲۹/۱۱	۴/۰۷	۲۱	۷۰
برونگرایی	۴۱/۳۹	۴/۳۲	۱۶	۴۴
گشودگی	۳۶/۴۹	۴/۴۳	۳۴	۵۳
توافق پذیری	۴۴/۴۰	۴/۶۱	۲۶	۵۸
وظیفه شناسی	۴۸/۶۰	۴/۸۱	۲۷	۶۰
صمیمیت	۹۴/۷۸	۹/۹۸	۲۷	۶۰
سبک‌های دلبستگی	۹۷/۶۵	۹/۶۵	۶۹	۱۱۸

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمرات در ویژگی های شخصیتی ، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت را نشان میدهد.

جدول ۲ - ماتریس همبستگی طلاق با متغیرهای شخصیتی، دلبستگی و صمیمیت زوج‌های متقاضی طلاق

طلاق	روان رنجوری	برونگرایی	گشودگی	توافق پذیری	وظیفه شناسی	سبک‌های دلبستگی	صمیمیت
طلاق	۱						
روان رنجوری	*۰/۶۳	۱					
برونگرایی	-۰/۱۷۳*	*-۰/۱۲۳*	۱				
گشودگی	*-۰/۸۱*	*۰/۱۲۷*	*-۰/۲۷۷*	۱			
توافق پذیری	*۰/۰۸۴*	*-۰/۲۸۸*	*۰/۴۹۰*	۰/۰۹۵	۱		
وظیفه شناسی	۰/۱۵۹	*۰/۲۶۷*	۰/۵۳۴	*۰/۵۰*	۰/۳۶۰	۱	
سبک‌های دلبستگی	-۰/۵۷۱*	*۰/۳۵۲*	۰/۲۲۸	*۰/۲۷۱*	۰/۰۵۳*	*۰/۲۵۴*	۱

۱	*۰/۱۸۰	۰/۳۶۰	*۰/۳۴۲	*۰/۰۵۳	*۰/۶۴۵	*۰/۰۷۸	-۰/۴۵۷ *	صمیمیت
---	--------	-------	--------	--------	--------	--------	-------------	--------

p<0/05*

جدول ۲ نتایج همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهشی را نشان می‌دهد. براساس نتایج به ترتیب میزان اندازه‌ی متغیر روانرنجوری ($r=0/63$)، برونگرایی ($r=0/173$)، گشودگی ($r=0/81$)، توافق‌پذیری ($r=0/084$)، سبکهای دلبستگی ($r=0/571$) و صمیمیت ($r=0/457$) رابطه‌ی معناداری با طلاق دارند اما وظیفه شناسی رابطه معناداری با طلاق ندارد ($p>0/05$).

جدول ۳- نتایج رگرسیون جهت پیش بینی طلاق براساس ویژگی‌های شخصیتی، صمیمیت و سبکهای دلبستگی

ضرب همبستگی چندگانه	ضرب تعیین	ضرب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معناداری	کل متغیرها
۰/۶۴۵	۰/۴۱۶	۰/۳۹۳	۱۸/۰۵	۰/۰۰۱	

جدول ۳ نتایج رگرسیون چندمتغیری به روش همزمان را جهت پیش‌بینی طلاق براساس ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت و سبکهای دلبستگی نشان می‌دهد. با توجه به جدول بالا همبستگی چندگانه بین ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت و سبکهای دلبستگی با طلاق ۰/۶۴۵ است. میزان رگرسیون جهت پیش‌بینی طلاق برابر با ۰/۴۱۶ است که نشان می‌دهد متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت و سبکهای دلبستگی با هم می‌توانند ۴۱/۶ درصد از تغییرات طلاق را تبیین نمایند و با توجه به مقدار آماره F و معناداری آن ($F=18/05$, $P<0/001$) این مقدار تبیین معنادار است ($P<0/001$) و فرضیه تحقیق تایید می‌گردد. برای اینکه مشخص شود هر کدام از مولفه‌های ویژگی‌های شخصیت و صمیمیت و سبکهای دلبستگی چه مقدار سهم در پیش‌بینی طلاق دارند می‌بایست ضرایب رگرسیونی آنها مشخص شود (جدول ۴).

جدول ۴- ضرایب رگرسیونی بررسی مولفه‌های ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق

ضرایب غیراستاندارد B	خطای	ضرایب استاندارد β	آماره T	سطح
----------------------	------	-------------------------	---------	-----

معناداری		استاندارد			
۰/۰۰۱	۶/۵۳	-	۱۳/۹۰	۹۰/۸۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۴/۲۴	۰/۲۸۹	۰/۱۶۰	*۰/۶۸	روان‌رنجوری
۰/۰۰۳	-۲/۱۹	-۰/۲۱	۰/۲۱	*-۰/۴۸	برونگرایی
۰/۰۴۲	-۲/۰۴	-۰/۱۵۴	۰/۱۶۳	*-۰/۳۳۳	گشودگی
۰/۰۰۶	۲/۷۹	۰/۲۱۸	۰/۱۶۲	*-۰/۴۵۳	توافق‌پذیری
0/418	-۰/۷۰۷	-۰/۰۵۹	۰/۱۶۷	-۰/۱۱۸	وظیفه شناسی
۰/۰۰۱	-۷/۹۸	-۰/۵۲۸	۰/۰۶۶	*-۰/۵۲۳	صمیمیت
۰/۰۰۴	-۲/۷۶	-۰/۲۳	۰/۲۳	*-۰/۴۳۲	سبک‌های دلبستگی

*P<0/05

جدول بالا نشان‌دهنده‌ی ضرایب رگرسیونی مربوط به متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، صمیمیت و سبک‌های دلبستگی و میزان تاثیر هر یک از ابعاد ویژگی‌های شخصیتی، صمیمیت و سبک‌های دلبستگی را در پیش‌بینی طلاق زوجین نشان می‌دهد. براساس نتایج جدول و با توجه به ضرایب بتا به ترتیب روان‌رنجوری ($B=68/0, P=001/0$)، صمیمیت ($B=-0/45, P=0/006$)، توافق‌پذیری ($B=-0/48, P=0/03$)، برونگرایی ($B=-52/0, P=0/001$)، سبک‌های دلبستگی ($B=-0/432, P=0/004$) و گشودگی ($B=-0/33, P=0/042$) سهم مهمی در تبیین طلاق دارند بدین صورت که ۶۸ درصد توسط روان‌رنجوری، ۵۲ درصد توسط صمیمیت، ۴۸ درصد توسط برونگرایی، ۴۵ درصد توسط توافق‌پذیری، ۴۳ درصد توسط سبک‌های دلبستگی و ۳۳ درصد توسط گشودگی پیش‌بینی میشود. همچنین مولفه‌ی وظیفه-شناسی با سهم ۱۱ درصد نمی‌تواند طلاق را به صورت معناداری پیش‌بینی کند ($P=0/41$).

۸. بحث

هدف از این پژوهش، نقش سبک‌های دلبستگی، صمیمیت و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی طلاق زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر تهران بود. نتایج جدول ۲ در قالب رگرسیون چند متغیری، به تایید فرضیه نقش سبک‌های دلبستگی، صمیمیت و ویژگی‌های شخصیتی پرداخته است. نتایج آماری نشان می‌دهد که میزان جهت رگرسیون این سه متغیر برای پیش‌بینی طلاق برابر با ۰/۴۱۶ بوده است یعنی متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، صمیمیت و سبک‌های دلبستگی ۴۱/۶ درصد از تغییرات طلاق را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج این

پژوهش با پژوهش‌های زارعان و سدید پور (۱۳۹۶)، غفرانی پور، امین شکروی و ترکاشوند (۱۳۹۶)، فاکر خراسانی، داوودآبادی، ذاکری و همکاران (۱۳۹۵)، فلاحی و دلداز (۱۳۹۵)، محرابی، ناصری و سنجری (۱۳۹۴)، عارفی و محسن زاده (۱۳۹۱)، شکرکن خجسته مهر، عطاری و همکاران (۱۳۸۵)، سو، لیانگ، یانگ و لیو (Su, Liang) Yang & Liu (۲۰۱۸)، امانی، مجذوبی و هادیان (۲۰۱۸)، فلد هوس و هیتز مارتین (Feld Hoss and Hintz Martin, 2015)، روی (Roy, 2010) همسو بوده است. در تبیین این یافته می‌توان اینگونه استنباط کرد که هر قدر تفاوت‌های ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زوجین کمتر باشد پیش بینی شکست در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود. و بر عکس هر قدر تفاوت‌های ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زوجین بیشتر باشد موفقیت در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود.

نتایج این پژوهش نشان داد متغیرهای شخصیت روان‌رنجوری ۶۸ درصد، برونگرایی ۴۸ درصد، توافق‌پذیری ۴۵ درصد و گشودگی ۳۳ درصد می‌توانند طلاق را پیش‌بینی کنند و متغیر وظیفه‌شناسی با ۱۱ درصد توان پیش‌بینی طلاق را ندارد ($p=0/48$). در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که زوج‌های موفق در مقایسه با زوج‌های متقاضی طلاق تشابه شخصیتی بیشتری دارند در واقع زوج‌های موفق به جای تفاوت در شخصیتشان معمولاً شباهت دارند و این شباهت در نیازها و شخصیت است که با موفقیت در رابطه زناشویی رابطه دارند و نه تکمیل آنها. با توجه به اینکه شباهت در ویژگی‌های شخصیتی با موفقیت در رابطه زناشویی رابطه دارد، ممکن است بپرسیم که چرا شباهت شخصیتی زوجین با موفقیت و تفاوت شخصیتی زوجین با شکست در رابطه زناشویی ارتباط دارد. حداقل دو امکان به نظر منطقی می‌رسد: اول همسران ممکن است شباهت در این ویژگی‌های شخصیتی را برای خوشبختی زناشویی مهم بدانند، چون شباهت باعث می‌شود که همسران احساس معتبر بودن بکنند. شناخت شباهت‌های مهم شخصیتی توسط همسران ممکن است به این ترتیب موفقیت در رابطه زناشویی را افزایش دهد. امکان دوم این است که چیز ذاتی که در شباهت ویژگی‌های شخصیتی همسران وجود دارد این است که عملاً رابطه زناشویی موفق را فراخوانی می‌کند. مثلاً، هنگامی که از لحاظ ویژگی شخصیتی مشابه باشند، ممکن است برای همدیگر قابل پیش‌بینی‌تر باشند و همین ممکن است سؤ تفاهم، تعارض و در نهایت شکست زناشویی را به حداقل برساند.

در میان ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری ۰/۶۸ درصد توان پیش‌بینی طلاق را دارد که بالاترین متغیر از میان ویژگی‌های شخصیتی است. روان‌رنجور خوبی یکی از صفات شخصیتی است که به دلیل آثار زیان‌باری که بر روابط زناشویی دارد مورد توجه مطالعات بسیاری قرار گرفته است. افراد روان‌رنجور بیش از دیگران به نگرانی، افسردگی و ادراکات غیر طبیعی مبتلا می‌شوند (Wesdio & Cigrin, ۲۰۱۳) در واقع در افرادی که نمرات بالایی از این ویژگی را کسب می‌کنند، به هنگام مواجهه با شرایط مشکل‌ساز توانایی حل مساله کاهش می‌یابد و در نتیجه با کاهش میزان رضایت و سازگاری زناشویی، احتمال جدایی و طلاق افزایش می‌یابد (روان‌رنجور خوبی در درجه اول فرایندهای درون‌روانی افراد در زمینه روابط زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. کاهش کنترل تکانه‌های عصبی و تمایل به افکار منفی در افراد روان‌رنجور، دنیای درون فردی) یافته‌های اکثریت مطالعات بررسی شده در این مرور سیستماتیک نشان داد که روان‌رنجور خوبی با رضایت زناشویی دارای یک ارتباط منفی است و بعنوان یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کاهش رضایت زناشویی مطرح می‌باشد (صادقی، جمال، موتابی و دهقانی، ۱۳۹۶؛ عاشوری، ۱۳۹۴؛ صادقی، مژده‌هی، ۲۰۱۶). به دنبال کاهش رضایت زناشویی، افزایش طلاق اتفاق می‌افتد. افراد برون‌گرا اجتماعی، دوستدار دیگران، پرهیجان و قاطع در عمل و گفتار هستند و تمایل زیادی به فعالیت‌های گروهی دارند. با توجه به اینکه این ویژگی برون‌گرایی توانایی پیش‌بینی طلاق را دارد و با توجه به این مساله که عامل برون‌گرایی با تعاملات اجتماعی سروکار دارد، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که زوجینی که روابط بین‌فردی کمتری دارند و توجه چندانی اعمال نمی‌کنند، هنگامی که در رابطه زناشویی دچار مشکل می‌شوند، آسیب‌پذیرتر بوده و دچار فرسودگی می‌شوند (کوهی، اعتمادی و فتحی‌زاده، ۲۰۱۴). در رابطه با ویژگی گشودگی در پیش‌بینی طلاق میتوان اینگونه نتیجه گرفت که افرادی که دارای این ویژگی هستند نسبت به افراد دارای ذهن بسته هیجان‌های مثبت و منفی را با شدت بیشتری تجربه می‌کنند. این افراد توانایی درک دنیای همسر و همدردی با وی را به صورت بهتری اعمال می‌کنند که موجب می‌شود ازدواجشان رو به خستگی و فرسودگی و شکست کمتر گرایش پیدا کند (نادری، افتخار و آمل‌زاده، ۲۰۱۱). افراد توافق‌پذیر دارای ویژگی‌هایی چون رک‌گویی، دیگر دوستی، همراهی، دل‌رحمی و تواضع هستند. چنین افرادی سازش‌یافته و کمک‌کننده بوده و باور دارند که دیگران نیز کمک‌کننده هستند (رازقی و همکاران، ۲۰۱۱). این ویژگی در روابط زناشویی موجب میشود زوج خود را دوست بدانند و به وی کمک

کنند که چنین شرایطی موجب افزایش کیفیت زناشویی و دوری از شکست زناشویی و طلاق می‌شود. افراد با ویژگی وظیفه‌شناسی دارای پشتکار، نظم، قابلیت اعتماد و اراده هستند که این عوامل موجب رونق روابط بین فردی آنها می‌شود (یاسمین‌نژاد و همکاران، ۲۰۰۱). در تبیین اینکه چرا این ویژگی توانایی پیش‌بینی معنادار معادله رگرسیون را ندارد میتوان نتیجه گرفت که ویژگی‌های دیگر قدرت بیشتری در پیش‌بینی دارند.

شیوه‌های دلبستگی، افزون بر تاثیرگذاری بر ارتباط، عاملی مهم در شیوه‌ی گزینش همسران نیز به شمار می‌آید. در این پژوهش سبک‌های دلبستگی ۰/۴۳ درصد می‌توانند طلاق را پیش‌بینی کنند. در پژوهش عزیززی و بیرانوند (۱۳۹۶) به این نتیجه دست یافتند که سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی رابطه معناداری دارند و حدود ۴۰ درصد از تغییرات واریانس مربوط به رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند. این نتیجه با این یافته همسو می‌باشد. یعنی هر چه شباهت سبک‌های زوج‌ها بیشتر باشد، موفقیت در ازدواج نیز افزایش خواهد یافت. همچنین (Ynaftel & Shawar, ۲۰۰۶) همسو می‌باشد که در آن افراد گرایش کمتری برای برقراری ارتباط با زوجی ناایمن دارند؛ در حالیکه افراد ناایمن، بویژه اجتنابی‌ها، به زوجی با شیوه دلبستگی اجتنابی، کمتر از زوجی دوسوگرا گرایش دارند. زنان دوسوگرا نیز کمتر به سوی مردان اجتنابی کشیده می‌شوند، برای زنان دوسوگرا، مردان ایمن و دوسوگرا کشش بیشتری دارند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که مردان اجتنابی کشش بیشتری به سمت افراد ایمن و دوسوگرا دارند (Finney, Noler & Callan, ۲۰۱۰). همچنین بیرامی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای نشان دادند که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی در میان کارکنان دانشگاه رابطه وجود دارد و سبک دلبستگی دوسوگرا بهترین پیش‌بین رضایت زناشویی به شمار می‌رود. نتایج مطالعات حمیدی و همکاران (۱۳۹۵) بیانگر این نکته است که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از مشکلات زناشویی و بین فردی کمتر و سطح شادکامی بیشتری نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند. این یافته نشان می‌دهد که هر چه شباهت میان سبک‌های دلبستگی زوج‌ها بیشتر باشد احتمال شکست در رابطه زناشویی و طلاق کمتر خواهد بود.

صمیمیت به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در این پژوهش توان پیش‌بینی ۰/۵۲ درصدی طلاق را دارا می‌باشد. این نتیجه اینگونه تفسیر می‌شود که هر چه صمیمت میان زوج‌ها بیشتر باشد، شکست در رابطه زناشویی و طلاق کمتر اتفاق می‌افتد. چرا که به نظر میرسد فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه

مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی، زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (Patrick, Sells, Giordano & Fuller, ۲۰۰۷). این نتیجه با نتایج پژوهش‌های زاهدبابلان و مرادی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود نشان دادند که میانگین نمرات صمیمیت دو گروه زوجین عادی و در حال طلاق تفاوت معناداری داشته است و رضایی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که صمیمیت از عوامل موثر در ثبات و عدم ثبات یک ازدواج می‌باشد نیز همسو بود. همچنین پژوهش‌ها بیانگر این واقعیت می‌باشند که برخورداری از صمیمیت در بین زوجهای متأهل، از عوامل مهم ایجاد ازدواج پایدار است (Crawford & Unger, ۲۰۰۸) و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی خواهد شد (Bloom, ۲۰۰۶). رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد (Patric, Tollerud Sells & Giordano, ۲۰۰۷). بنابراین افزایش صمیمیت در میان زوجین می‌تواند باعث افزایش رضایت زناشویی و کاهش شکست در روابط زناشویی و طلاق در میان آن‌ها گردد.

۹. نتیجه‌گیری

از بررسی نتایج این پژوهش که نقش ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت در پیش‌بینی طلاق پرداخت و نتایج دیگر مطالعات و پژوهش‌ها درمی‌یابیم که متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت توانایی پیش‌بینی موفقیت یا شکست را در رابطه زناشویی دارند و می‌توان با آموزش و مشاوره در این زمینه‌ی ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت در بین زوج‌ها مانعی در برابر شکست در ازدواج ایجاد کرد. از این رو محققان و متخصصان حوزه‌ی خانواده می‌بایست از عواملی که بر کیفیت رابطه‌ی زن و شوهر تاثیر منفی می‌گذارند و باعث تقلیل کیفیت این رابطه و در نتیجه شکست و افزایش طلاق زناشویی می‌شوند جلوگیری و برای آموزش هر آنچه بیشتر زوجین در زمینه تاثیر ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت، اقدام نموده تا از شکست زناشویی زوجین کاسته و درصد تامین سلامت روانی و ذهنی

افراد و جامعه‌ی سالم برآیند. برای رسیدن به این هدف، پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره‌ی در جهت شناخت بهتر زوجین از یکدیگر از آزمون‌های روانشناختی برای شناسایی این ویژگی‌ها در هر زوج استفاده نمایند. تا ضمن شناخت هر فرد از ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت خود، ویژگی‌های زوج خود را نیز شناخته و براساس آن رفتارهای مناسب را برای بهبود روابط زناشویی ایفا کنند. در این راستا برنامه‌شناسایی ویژگی‌های شخصیتی در مراکز مشاوره دولتی برای مشاوره پیش از ازدواج پیشنهاد می‌گردد. از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به عدم کنترل متغیرهای دیگر بر طلاق از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی اشاره نمود و با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی افراد عادی و متقاضی طلاق در شهر تهران انجام گرفته است باید در تعمیم نتایج به مناطق دیگر جوانب احتیاط را مدنظر قرار داد.

کتاب‌نامه

- دهقانی فاتحی، ابوالقاسم؛ نظری، علی محمد. (۱۳۸۹). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی: شماره ۲۵، از صفحه ۱۳ تا صفحه ۵۴.
- رفاهی، ژاله؛ گودرزی، محمود؛ میرزائی چهارراهی، مرتضی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان، جامعه‌شناسی زنان، سال سوم، شماره یک، ۱۳۳-۱۱۷.
- روشن چسلی، رسول؛ شعیری، محمدرضا؛ عطری فرد، مهدیه؛ نیک‌خواه، اکبر؛ قائم‌مقامی، بهاره؛ رحیمی، راد اکرم. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی «پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو (NEO-FFI)» روانشناسی بالینی و شخصیت-دانشور رفتار سابق - ۱۳۸۵؛ ۱ (۱۶): ۳۶-۲۷.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علی، وردی نیا، اکبر، بهرامی؛ کاکاوند، سیاوش. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناسی میزان گرایش به طلاق شهرستان کرمانشاه. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۵، شماره ۱۴۰، ۹-۱۰۹.
- زارعان، منصوره؛ سدید پور، سمانه السادات. (۱۳۹۶). فرا تحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۲، ۲۱۸-۱۹۱.
- زارعان، منصوره؛ سدید پور، سمانه السادات. (۱۳۹۶). فرا تحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۲، ۲۱۸-۱۹۱.
- زاهدبابلان، عادل؛ مرادی، مسعود. (۱۳۹۳). مقایسه صمیمیت، گذشت و استحکام خانواده در زوجین عادی و در حال طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی.

شکرکن، حسین؛ خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسفعلی؛ حقیقی، جمال؛ شهنی ییلاق، منیجه. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۳، سال ۱۳، شماره ۱، ص: ۳۰-۱.

صادقی، منصوره السادات؛ هاشمی گشنیگانی، رامین؛ فلاح زاده، هاجر (۱۳۹۴). مقایسه ناهم‌خوانی خودها در افراد متقاضی و غیر متقاضی. روانشناسی خانواده، دوره ۲، شماره ۱، ۴۸-۳۹.

ظهیرالدین، علیرضا؛ خدایی فر، فاطمه. (۱۳۸۲). «بررسی نیم‌رخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران» فصلنامه علمی پژوهشی فیض، دوره ۷، شماره ۱، ص: ۲۵-۷-۱. عارفی، م. محسن زاده، ف. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس ارتباط و صمیمیت جنسی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده و طلاق. شماره اول (۱۳۹۱). ص: ۲۸۸-۲۸۹.

غفرانی پور، فضل‌الله؛ امین شکروی، فرخنده؛ ترکاشوند، رؤیا. (۱۳۹۶). رابطه عوامل جمعیت شناختی با رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده شهرستان بروجرد. فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، ۵(۱)، ۵۰-۳۴.

فاکر خراسانی، حسین؛ داوودآبادی، حمید؛ ذاکری، اکرم؛ جان بزرگی، مسعود؛ داستانی، محبوبه. (۱۳۹۵). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و آزاردیدگی جسمی و روانی در زنان همسرآزار دیده، متقاضی طلاق و عادی. پژوهش در پزشکی، دوره ۴۰، شماره ۳، ص: ۱۶۰-۱۵۵.

فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۹۰). آزمون‌های روانشناختی جلد اول. تهران انتشارات بعثت.

فخری، مریم السادات؛ مهدویان فرد، راحله؛ کیمیایی، سیدعلی. (۱۳۹۷). پیش‌بینی احتمال طلاق زنان بر اساس دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله خانواده. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال ۹، شماره ۳۳، ص ۲۲۲-۲۰۷.

گلدنبرگ، ایزانه؛ گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۹۶). خانواده‌درمانی، ترجمه حسین شاهی برواتی، حمیدرضا؛ نقشبندی، سیامک و ارجمند، الهام. تهران: روان

گیلبرت و گاگلر. (۱۳۷۵). «شهرها، فقر و توسعه» ترجمه پرویز کریمی و ناصری تهران: شهرداری تهران

محبی، فاطمه، (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی زنان: طلاق، کتاب زنان. شماره ۱۲، ص: ۲۳-۸. مرادی، امید. (۱۳۹۲). مقایسه خصوصیات جمعیت شناختی ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج‌های عادی و زوج‌های در آستانه طلاق. پژوهش‌های مشاوره، ۴۵، ۱۹۰-۱۶۵.

Amani, R; Majzooobi, M;& Hadian, K.(۲۰۱۸). Iranian Women in the Midst of

Amato, P R., Booth, A., Johnson, D R. & Rogers, S J. (۲۰۰۸). Alone Together: How Marriage in America Is Changing, Massachusetts, Harvard University Press publication.

Bloom, B. L., Niles, R. L., & Tatcher, A. M. (۱۹۸۵). Sources of marital dissatisfaction among newly separated persons. Journal of family issues, ۶(۳), ۳۵۹-373.

- Decuyper M, De Bolle M, De Fruyt F.(2012). Personality similarity, perceptual accuracy. Divorce and Women in the Normal State of Marriage, as Predictors of Divorce. Published online: ۳ May ۲۰۱۸.
- Dyrenforth PS, Kashy DA, Donnellan MB, Lucas RE. Predicting relationship and life.
- Eggert, J. Ievendosky, A. Klump, K. Relationships among attachment styles, personality characteristics, and disordered eating. *International Journal of Eating Disorders* (۲۰۰۷). ۴۰(۲):۱۴۹-155.
- Feldhaus, M., & Heintz-Martin, V. (۲۰۱۵). Long-term effects of parental separation: Impacts of parental separation during childhood on the timing and the risk of cohabitation, marriage, and divorce in adulthood. *Advances in Life Course Research*, ۲۶, ۲۲-31.
- Hembrecht, M. (۲۰۰۹). The role of dysfunctional relationship beliefs in relationship satisfaction a comparison of singles with satisfied and less satisfied coupled people in their endorsement of irrational and anxious relationship beliefs. Master thesis, Faculty of Social and BehavioralTheses, University of Utrecht.
- Kobak, R. R. Ruckdeschel, K. & Hazan, C. (۱۹۹۴). From Symptom to signal: An attachment view of emotion in marital therapy. In S. Johnson & L.Greenberg (Eds), *The heart of the matter: Perspective on emotion in marital therapy* (pp.۴۶-71). New York: Brunner/Mazel.
- Koohi S, Etemadi O, Fatehizadeh. The Relationship between personality Characteristics, General Health, Contextual Factors, and Marital Dissatisfaction of Couples, *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*. 2014; 4(1): 71-84.
- Malouff JM, Thorsteinsson EB, Schutte NS, Bhullar N, Rooke SE .The five-factor model Marital Satisfaction in Couples Who Refer to Tehran's Family Judicial Complexes. *Iran J marital satisfaction*. *Contemporar Psychol* 2016;10:67-82.
- McCrae R.R, Costa P.T., Jr. Rotation to maximize the Counstruct validity of factorse in the NEO Personality Inventory. *Multivariate Behavioral Research*. (۱۹۸۹).VOL ۲۴(۱). ۱۰۷-124.
- Naderi F, Eetekhar Z, Amolazadeh S. Relationship between personality traits with intimate partner relationships in women with addicted husbands. *J Women Culture*. 20011; 3(9): 83-98.
- Patrik, S. Sells, J. Giordano, F. Tollerud, T. (2007). Intimacy, differentiation and personality variables as predictor of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.
- Razeghi N, Nikju M, Kraskian Mujembari A, Zohrabi masihi A. Relationship between Big Five Personality Factors and Marital Stisfaction. *J Development Psychology*. 2011; 7(27): 269-77.
- Rosellini, A.J., Brown, T.A The NEO Five-Factor Inventory: Latent Structure and Relationships With Dimensions of Anxiety and Depressive Disorders in a Large Clinical Sample: Assessment. (۲۰۱۰). (۱۸) ۱. ۲۷-38.
- Roy, S., (۲۰۱۰). Unemployment Rate and Divorce, Working Paper, University of Canterbury.
- Sadeghi A, Mozhdehi FK. (2016). Surveying the Relationship between Personality Traits and Attachment.
- Sadeghi MS, Jamal M, Mootabi F, Dehghani M. (1396). Couple's personality similarity.

- Sodermans AK, Corijn M, Vanassche S, Matthijs K. Effects of personality on postdivorce South, S. and K. M. Lioyd. (۱۹۹۵). Spousal alternatives an marital dissolution, American Sociological Review, vol. ۶۰, ۲۱-35.
- Trull TJ, Widiger TA. (2013). Dimensional models of personality: the five-factor model.
- Yasaminejad P, Golmammadian M, Ebrahimi L. Investigative the relationship between five personality traits and marital satisfaction in married women widowed by brother of her husband. J Counseling and Psychotherapy culture. 2001; 2(7): 85-102.
- Young, Mark E.; Long, Lynn L. (2007). Counseling and Therapy for Couples.